



صبحگاهان حمدت را سرایم
نام قدوست را مجد خوانم
تو سزاوار اکرام ولایق اطاعتی
هر روز جانم را تازه سازی
چون نورت بر من تابی
بشنو آوازم ای ناجی ام در حضورت سر فرود آرم
بگذار در نور حضورت هر دم نزد تو مانم
تا در سایه ات پناه یابم و ترسهایم دور شود
چون دستانم افزایم نزدت عیسی
ظلمت بیرون گردد نورت آید
با دل و جان بهرت سرود خوانم
ای شاه شاهان و خداوندم
چون آوای رعد بگوش رسد، کوهها جلالش ظاهر کنند
گویند خلقت هر چیز از دستان پر مهر توست
آوازی تازه برخیزد تا روح خسته جان گیرد

